



## گفت و گوی صبا با فرح زارع کارگردان فیلم مستند من کدا هستم شانس خودم را زیاد می دانم

مصطفی کزازی  
گفت و گو

فرح زارع، کارشناسی تکنولوژی آموزشی دارد. او دوره‌های فیلمسازی را در انجمن سینمای جوان - دفتر تهران و مؤسسه کارنامه گذرانده است. زارع مستندسازی را از سال ۱۳۹۶ با مستند «ماهیاک» که در جشنواره‌های رضوی و حقیقت - بخش بین الملل موفق به کسب جایزه بهترین فیلم شد، شروع کرد. بعد از آن دومین کارش را به نام «به من اشاره کن» در حوزه ناشنویان ساخت. زارع دو اثر هم در زمینه صنایع دستی برای تلویزیون ساخته و هم اکنون در حال ساخت اثری دیگر در همین حوزه و با حمایت انجمن سینمای جوان است. روزنامه صبا به بهانه حضور «من کدا هستم» در چهلمین دوره جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران با فرح زارع به گفت و گو نشست است که در ادامه می خوانید.

### قبل از این در جشنواره فیلم کوتاه تهران شرکت کرده اید؟

این سومین دوره حضور من در جشنواره فیلم کوتاه تهران است. اولین بار با فیلم «ماهیاک» شرکت کردم. دومین بار با فیلم «به من اشاره کن» در سی و نهمین دوره شرکت کردم و امسال هم با فیلم «من کدا هستم» در چهلمین دوره جشنواره حضور دارم.

### ایده اولیه ساخت اثر از کجا آمد و چطور شکل گرفت؟

زمانی که مستند «به من اشاره کن» را کار می کردم، با توجه به اینکه آن کار درباره خانواده‌های ناشنویانی بود که با آن‌ها از قبل آشنا بودم و در جریان پژوهش و ارتباط با خانواده‌های ناشنوا متوجه شدم، کسانی وجود دارند که خانواده‌شان ناشنوا است اما خودشان شنوا هستند. زمانی که بیشتر با این افراد گفت و گو کردم متوجه شدم مشکلات این‌ها بسیار زیاد است؛ به حدی که مشکلاتشان از خود پدر و مادر ناشنویان بیشتر است. بعد تحقیق کردم و متوجه شدم در کشور خیلی به این موضوع پرداخته نشده و تصمیم گرفتم که بعد از اتمام آن کار برای ساخت اثر جدید سراغ این بچه‌ها بیایم و خوشبختانه این اتفاق افتاد و فیلم ساخته شد.

### چه مدت زمانی صرف تحقیقات و پژوهش اولیه اثر شد؟ برای اثر فیلمنامه نوشتید و یا داستان با جلورفتن اتفاقات در حین فیلمبرداری شکل می گرفت؟

من با این بچه‌ها و خصوصاً سوژه‌های که با او کار داشتم، خیلی گفت و گو می کردم و متوجه شدم که داستان زندگی این دختر و دیگر بچه‌هایی که در این شرایط قرار دارند، سه مرحله دارد. مرحله اول مرحله‌ای است که این‌ها فکر می کنند وظیفه‌شان مراقبت از والدینشان است و باید خودشان را وقف والدینشان کنند. مرحله دوم این است که دچار حس خشم و یک حالت طلب کارانه می شوند

### را می توان جزو مراحل تولید دانست؛ طبق این تعریف، روند فیلمبرداری و تولید اثر چقدر زمان برده است؟

در ابتدا بگویم که بله، واقعاً این طور است که در فیلم مستند حداقل پنجاه درصد کار در تدوین انجام می شود. اگر بخواهم مجموع مراحل فیلمبرداری و تدوین را بگویم، کار حدود یک سال زمان برد. بخش‌هایی از تصاویر در همان زمان تحقیقات و پژوهش و به صورت موازی انجام شد. اما به دلیل مواجهه با پاندمی کرونا کمی در کار وقفه افتاد. بعد از آن هم بعضی از آن تصاویر را مجبور شدیم دوباره فیلمبرداری کنیم.

### در اثر از باز بگر هم استفاده کرده اید؟

خیر. تمام افراد حاضر در فیلم شخصیت‌های واقعی بودند که حضور داشتند.

### اثر در کدام شهرها فیلمبرداری شده است؟

هشتاد درصد کار در تهران بود و حدود بیست درصد کار هم در شمال فیلمبرداری شد. سوژه من یک دوست روان شناس در شمال داشت که زیاد به خانه او رفت و آمد می کرد و ما هم با او همراه شدیم.

### بودجه اثر چقدر بوده و از چه منابعی تأمین شده است؟

کار جمعاً حدود ۱۲۰ میلیون هزینه داشت. ۹۵ میلیون تومان را مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی پرداخت کرد و باقی بودجه شخصی بود.

### برای «من کدا هستم» در چهلمین جشنواره فیلم کوتاه تهران شانس جایزه قائل هستید؟

سطح جشنواره بالا است و همه فیلم‌های وارد شده قطعاً کارهای خوبی هستند. اما من شانس خودم را زیاد می دانم چون به کارم ایمان دارم. در نهایت امیدوارم فیلمی جایزه را بگیرد که استحقاقش را دارد.

### در آخر اگر نکته با صحتی هست، بفرمایید؟

می خواهم بگویم انجمن سینمای جوان را خانواده خودم می دانم. همیشه گفته‌ام سکوی پرش من بود. امیدوارم همیشه حمایت‌ها برقرار باشد و البته برای بخش مستند بودجه‌های مناسب‌تری در نظر گرفته شود تا مسیر برای مستندسازان کمی، فقط کمی هموارتر شود.

و پدر و مادر را عامل همه شرایط سختی که بر آن‌ها می گذرد می دانند و سعی می کنند از والدین فاصله بگیرند. مرحله سوم جایی است که تقریباً به بلوغ و رشد عاطفی و عقلی می رسند، شرایطشان را می پذیرند و این پذیرش باعث می شود که به آرامش برسند. سعی من این بود که این سه مرحله را در زندگی دختری که سوژه من بود به تصویر بکشم. یک بخشی را فیلمنامه کلی نوشتم و بعد به دل کار زدم و بقیه را به مسیر سپردم. حدود دو سال درگیر تحقیق و پژوهش بودم تا بتوانم این اتفاق را رقم بزنم.

### «من کدا هستم» در کدام نوع مستند دسته بندی می شود؟

این کار در واقع یک کار تعاملی است، البته می شود مشاهده گر هم اطلاقش کرد.

### دلیل نبود تنوع ژانر در مستند کوتاه را چه می دانید؟

فکر می کنم سختی‌هایی که ساخت مستند با خود به همراه دارد یکی از علل اصلی این مسئله است. اگر کارگردان بخواهد یکسری ژانرها را بسازد، هزینه‌های زیادی را می طلبد و بودجه‌ها محدود هستند و معمولاً چنین شرایطی وجود ندارد. اگر شرایط فراهم باشد من فکر می کنم مستندسازان ما علاقمند ورود به ژانرهای مختلف هستند.

### اگر بخواهید ماجرای مستند خودتان را تعریف کنید، چطور تعریفش می کنید؟

دختر شنوای جوانی که از یک خانواده ناشنوا است. اصطلاحاً به این افراد کدا گفته می شود. دختر از چالش‌های زندگی و گذشته‌اش می گوید. از زمانی که متوجه می شود کدا است و پدر و مادرش دچار نقص شنوایی هستند و او مسئولیت ترجمه و حامی بودن را دارد. این دختر تلاش دارد که در عین مراقبت از خانواده، آگاهی رسانی به جامعه را هم انجام دهد. او سعی می کند توسط نهادهایی که در رابطه با ناشنویان فعالیت می کنند همکاری کند و برنامه‌هایی برای ناشنویان بگذارد. مثلاً در دانشگاه فرشتگان که مخصوص ناشنویان هست مترجم ناشنویان است و درس اساتید را به زبان اشاره برای ناشنویان ترجمه می کند. در فیلم با چالش‌های زندگی خود این دختر هم آشنا می شویم. همچنین متوجه می شویم که جامعه ایران هنوز خیلی نقص دارد تا مناسب سازی کند و شرایط را بهبود ببخشد.

### با توجه به شرایط متفاوت ساخت فیلم مستند، بخش تدوین

